



کابل ۲۶ سپتامبر ۲۰۱۶

استاد ظریف امین یار

صلح با حکمتیار درست یا نادرست؟

صلح بدون تردید حیاتی ترین نیاز بشری جوامع بشمار می‌رود. انسان فطرتاً با صلح عشق می‌ورزد و صلح خواهی و صلح طلبی را بیشتر از هر چه می‌پرستد و برای رسیدن به آن می‌کوشد و قربانی می‌دهد. جنگ، خشونت، تبعیض و خصومت از درون انسان است نه بیرون، اما نظامهای فاسد که بر اصل عدالت، آزادی و مردم سالاری استوار نباشند می‌توانند تخم جنگ و خشونت را در وجود انسانها کشت کنند. افغانستان سالهاست از نبود صلح و ثبات رنج می‌برد و بعضاً حتی انسان فکر می‌کند که دستیابی به صلح و امنیت گویی در این کشور به آرزویی دست نیافتنی مبدل شده است. نرسیدن به صلح در افغانستان آرزوهای مردم این کشور را به یاس مبدل کرده است و روحیه ملی گرایی و زندگی کردن را متاثر ساخته است. امروزه بیشتر از هر چیز دیگر برای افغانستان، دست یابی به صلح و ثبات مطرح است و آن را ضرورت مبرم برای بقای کشور می‌دانند. بدون صلح، امنیت و ثبات سیاسی رشد و ترقی در جوامع ناممکن است. بدین لحاظ است که صلح را کلید توسعه کشورها نیز می‌گویند. پس افغانستان در وضعیت کنونی نیاز دارد تا پیش از هر اجندای دیگر به راه های دست یابی به صلح را جستجو کند.

عوامل نه رسیدن به صلح متعدد اند و نیز از حوصله این بحث خارج می‌باشد، زیرا صرف نظر از مرور عوامل تفصیلی من یکی از علت‌های اساسی نرسیدن افغانها به صلح را نگاهای نامعقول سیاسی به صلح در کشور منگرم. اما تجاوز خارجیها، دخالت‌های سیاسی کشورهای جهان و منطقه و همچنان ضعف رهبری در کشور و بی سوادی ملت و دوری مردم از عقاید و ارزشهای صلح آمیز دین مبین اسلام را نیز در امر برپایی افغانستان می‌پذیرم. اینکه صلح را چگونه جستجو کرد؟ سوالی است که سالهای متمادی اذهان رهبران سیاسی و مذهبی افغانستان، سیاستون، تحلیل گران سیاسی، نخبگان، دانشمندان، پژوهشگران و فرهیخته گان کشور را مشغول و مخشوش کرده است. بنظر من اگر عوامل خارجی نرسیدن به صلح را در قضیه افغانستان ثابت فرض کنیم یکی از راههای صلح در کشور جستجو صلح از طریق سیاست، گفت‌وگو و دیپلوماسی و ارزشهای مشترک خواهد بود. پس راه رسیدن به صلح جنگ نه بلکه ابزارهای نرم خواهد بود. اما نباید فراموش کرد که جنگ توأم با رادیکالیسم نسبی برای رسیدن به صلح در کنار ابزار های نرم فوق العاده موثر می‌باشد.

اسلام که داعیه دار صلح در جهان شناخته شده است تاکید بر صلح و دوستی میان تمام انسانها دارد. دیدگاه اسلام پیرامون روابط بین انسانها بر اصل صلح، همکاری، دوستی و محبت استوار است. الله سبحانه و تعالی در قرآن کریم در این رابطه چنین می‌فرماید: ترجمه: «ای آدمیان ما شما را از زن و مرد آفریدیم و بر دسته ها و طوایف گوناگون قرار دادیم تا با یکدیگر آشنا شوید و بدانید که در این میان آنکه نزد خداوند گرامی ترین است که پرهیزگار باشد و خداوند بر همه چیز آگاهی دارد». قابل ذکر است که این اصل در دین مبین اسلام جایگاه مهم دارد و به وظیفه شرعی هر مسلمان مبدل شده است. پس اجرای آن برای هر مسلمان متعهد واجب است.

همانطوریکه در بالا اشاره شد صلح مقدس ترین و حیاتی ترین آرمان و ضرورت انسانها است. چه از محور ارزشهای جهانی و قوانین حقوق بشری ملاحظه کنیم و چه از دیدگاه اسلام، صلح راه خیر، راه رفاه، راه سعادت، راه توحید و وحدت و ترقی و توسعه است. هیچ ملتی را سراغ ندارم که بدون صلح، امنیت و ثبات سیاسی توانسته باشد به روشنی، سعادت، روشنگری، وحدت، عدالت و توسعه دست یافته باشد. اکنون که حکومت وحدت ملی افغانستان توانسته در باب صلح یک اقدام بی سابقه و مثبت را انجام بدهد، این وظیفه، مسوولیت و رسالت هر افغان متعهد و ملی گرا است که برای خاتمه تاریکی، وحشت، دهشت، ظلم و ستم و نفاق و تفرقه از اینوع پروسه های که پیام صلح را می‌دهد؛ حمایت و پشتیبانی کند.

صلح آرمان مقدس و دیرینه هر افغان متعهد، ملی گرا، وطن دوست و بشر دوست است. بنابر این صلح با حزب اسلامی یک آغاز فوق العاده خوب برای رسیدن به صلح و ثبات سراسر در کشور می‌باشد. اما یکتعداد محدود مردم هنوز هم دارند بخاطری علت‌های سیاسی، سمتی و اجندا های خارجی و یا هم عدم درک درست وضعیت نتوانسته اند درد ملت مظلوم کشور را احساس و درست درک کنند. آنها باوجودیکه می‌دانند سالهای متمادی جنگ

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې دليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

و نا آرامی در کشور صدمات و خسارات جبران ناپذیر به افغانستان عزیز و مردمانش وارد ساخته است، سعی دارند پروسه صلح با حزب اسلامی را سبوتاژ نمایند که ظاهراً به منافع ملی سازگار معلوم نمی شود.

از آنجاکه صلح، امنیت و ثبات یکی از اساسی ترین نیازهای افغانستان است هر اقدام در این مورد باید حمایت شود. اعتقاد دارم برای افغانها در حال حاضر هیچ چیز بیشتر از صلح نمی تواند پر بها و پر ارزش باشد. بنابر این برای صلح حتی می توانیم از بعضی ارزشهای دموکراتیک و حقوق بشر نیز بگذریم. امام سوال این است که آیا صلح با حکمتیار درست است یا نادرست؟ در این باره باید گفت، اینکه چه درست است و چه نادرست است قطعاً حل و دیدگاه ثابت یا قبول شده ندارد. فیلسوفان جهان سالهاست در مورد این موضوع پژوهش های متعددی را انجام داده اند اما هنوز هم قادر به تعریف درست یا نادرست نشده اند. بعضی دانشمندان می گویند در آنچه خیر اکثریت نهفته است همان چیز درست است. ولی بعضی دیگر اعتقاد دارند که نباید هیچ جز یا عنصر از قضیه را نادیده گرفت پس اجزای یا اقلیت ای که در این کار خسارت یا ضرر می بینند قطعاً قابل برداشت نبوده و در ذات خود نقض عدالت میتواند باشد. بعضی از دانشمندان دیگر می گویند درست و نادرست مبتنی بر وضعیت است و یک عده دیگر فکر می کنند که هیچگاه صد در صد تصمیم درست و یا نادرست وجود ندارد و نمی تواند بوجود بیاید یعنی هر تصمیم در ذات خود کاستی های خود را دارا می باشد. پس اینکه چه چیز درست است یا چه چیز نادرست پنداشته شود، هنوز هم حل نشده و معما است. حتی ارزشهای که در جهان امروزه بعنوان دست آورد بزرگ برای رسیدن به عدالت و مردم سالاری پدید آمده اند را نیز می تواند به چالش کشید. مثلاً به سر کردن چادر و مراعات نمودن ایجاب در کشورهای اسلامی مانند افغانستان کار درست و خوب است اما در فرانسه نادرست و خلاف قانون آن کشور تلقی می گردد. به همین ترتیب همه ارزشهای امروزی بشمول، حقوق بشر، دموکراسی، اصول عدالت، نظام اقتصادی، کنوانسیونها و استانداردهای جهانی قابل چالش می باشند.

حالا اگر درستی و یا نادرستی صلح با حکمتیار را بررسی کنیم بطور مختصر می توانیم چنین بحث را باز کنیم که بدون شک حکمتیار و تمام رهبران جهادی دیگر بشمول فرمانده مسعود، استاد ربانی، استاد سیاف، داکتر عبدالله، محقق، مزاری، خلیلی و غیره در بربادی و جنایت دهه ۹۰ در افغانستان دست شامل بودند و از نظر انصاف، عدالت و قوانین بشری طبعاً مجرمین شناخته می شوند. اما وقتی ملاحظه می گردد که رهبران دیگر جهادی که در قتل، جرم، جنایت، بربادی و ظلم با آقای حکمتیار شریک بودند، همواره از مصونیت قضایی برخوردار بوده و در داخل نظام سیاسی افغانستان سالهاست از امتیازات جهاد و امتیازات سیاسی مستفید می گردند، می توان استدلال کرد که چه فرقی می کند که یک رهبر دیگر که دارای همان اوصاف جرمی باشد، نیز شریک نظام کنونی گردد. مگر متمایز ساختن قضیه حکمتیار با رهبران دیگر توجیه حقوقی می تواند داشته باشد؟ مگر تبعیض در امر ارایه مصونیت قضایی عبور از درستی و عدالت نیست؟ مگر حقوق بشر عدالت جداگانه برای حکمتیار و دیگر رهبران دارد؟ و یا هم می تواند داشته باشد؟ پس بنابر این دلایل، عقل و منطق سالم پروسه صلح با حکمتیار را یک تصمیم درست تلقی خواهد کرد. از جانب دیگر کشور عزیزم ما در وضعیتی قرار دارد که بدون دست یابی به صلح، امنیت و ثبات نمی تواند بقا داشته باشد. چون افغانستان و مردم افغانستان بیش از این توان جنگ، خشونت، افراطیت را ندارند، بر این اساس است که در حال حاضر مردم بزرگ و فداکار افغانستان حتی آماده اند تا با یک جنگسالار حاضر به صلح شوند که این در ذات خود شجاعت، شهامت، غیرت و انسانیت والای ملت افغان را نشان می دهند و قطعاً قابل افتخار است.

بحث دیگر این است که چرا تنها حکمتیار با این همه نفرت استقبال می شود و نویسندگان مختلف دارند در مورد جنایات او می نویسند؟ چرا سیاسیون و نویسندگان در باره آنانی که همانند حکمتیار مال ملت را غارت کردند، جنگ، جنایت، تجاوز بر ناموس مردم و خون افشانی کردند و همه ارزشهای مردم مظلوم افغانستان را غارت کردند؛ چیزی نمی نویسند؟ شما خودتان قضاوت کنید چه فرق بین راکتی که از غرب کابل فیر شد و از کوه تلوزیون فیر شده وجود دارد؟ اگر ملیشه های چهار آسیایی به مردم تجاوز کردند و افراد مظلوم را کشتند جنایت بود همچنان اگر ملیشه های مرکز، غرب و شرق چنین کاری کرده اند آن را نیز باید جنایت دانست. اگر در برابر آن سکوت اختیار شود به قلم، منطق و ارزشهای انسانی خیانت خواهد بود. بدانید که درد همه ما درد جنایت و خیانت است اما روشنفکران و تحصیل کرده گان نباید بخاطر مسایل حزبی، قومی و سمتی از ارزشهای انسانی عدول کنند. از جانب دیگر طبعاً صلح با مخالفین صورت می گیرد. اگر قرار باشد ما مخالفین را به رسمیت نشناسیم و اصرار کنیم که ما با یک قاتل صلح نمی کنیم و یا ما با مخالفین دولت و دموکراسی حاضر به صلح نیستیم، فلسفه پروسه صلح دیگر مفهوم خود را از دست می دهد. پس ماهیت و فلسفه صلح را باید درست درک کرد.

د یانو شمیره: له 2تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

اما این را هم باید گفت که صلح با حکمتیار و حضور رهبران جهادی که باعث برپایی کشور شدند و تطبیق نشدن عدالت انتقالی در کشور کاملاً نقض حقوق بشری و ارزشهای انسانی و اسلامی می باشد. از این جهت صلح با هر مجرم چه حکمتیار باشد یا هم کدام رهبر جهادی دیگر که در جنایت و خیانت متهم باشد؛ خلاف ارزشهای اخلاقی، حقوقی و انسانی است.

بر اساس دلایل فوق پروسه صلح با حکمتیار را من بعنوان تلاش برای رسیدن به صلح در افغانستان بحرانی حمایت و پشتیبانی می کنم و می پذیرم که همه مجاهدین در جنایت و خیانت به مردم یکسان مجرم اند و باید از مردم افغانستان عفو و پوزش مطالبه کنند. می دانم درد ملت مان با عفو و پوزش خاتمه نمی یابد و می دانم که اکثر مردم آنها را مورد قرار نخواهد داد، اما این را بعنوان تحقق عدالت حد اقلی در شرایط فعلی باید حتماً جستجو کرد. امید دارم روزی برسد که وجدان رهبران جهادی و خابنین ملی دیگر افغانستان بیدار شود و خودشان بیابند و در مظهر عوام جنایت و خیانتها را که در برابر ملت مظلوم مرتکب شده اند؛ را قبول کنند و از مردم افغانستان پوزش بخواهند و از دولت برای تامین عدالت محاکمه خود را مطالبه کنند. هرچند می دانم که این فقط به یک رویا می ماند چرا که نه آن حکومت ملی و نه هم ملت بیدار که معتقد به تطبیق قانون و تحقق عدالت باشد در حال حاضر وجود دارد.

به امید رسیدن به صلح و عدالت

استاد امین یار

د یانو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په څیر و لولئ